

مدیریت موفق بزرگترین آرامستان جهان

▪ **حمیده امینی فرد/ ۵۴** سال سال پیش بود که کلنگ سازمان بهشت زهرا(س) در جنوبی ترین نقطه تهران بر زمین زده شد؛ هرچند نخستین میهمان این آرامستان، ۵۰ سال پیش و در سال ۱۳۴۹ در آن آرام گرفت. آن زمان کسی فکر نمی کرد بعد از حدود نیم قرن، این سازمان عریض و طویل که شاید در ظاهر فقط یک آرامگاه برای رفگانمان بود، به قطب فرهنگی کلانشهر تهران تبدیل شود. حالا از یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفری که در بهشت زهرا(س) دفن اند، ۲ هزار و ۵۰۰ نفرشان از مشاهیر، هنرمندان، نام آوران و بزرگانی هستند که هر ساله تعداد زیادی از زائران و گردشگران معنوی را به سمت خود جذب می کنند. خیلی ها برای عرض ارادت به این نقطه می روند و اتفاقاً مزار آنها به محلی برای شناخت بیشتر مشاهیر تهران تبدیل شده است. بهشت زهرا(س) اما یادبود بیش از ۳۰ هزار شهید و ۴ هزار شهید گمنام هم هست. ۱۹۶ قطعه، ۱۰ قطعه مطهر به نام شهداست و ۴ قطعه نیز به هنرمندان و نام آوران تعلق دارد.

بهشت زهرا(س) را باید پرکارترین سازمان پایتخت معرفی کرد؛ سازمانی که هیچ تعطیلی رسمی و غیر رسمی ندارد و دویودن وقفه در خدمت شهروندان تهرانی است. تکمیل ظرفیت بهشت زهرا(س) و ونیود قبر برای مردگان تهرانی در تمام این سال ها شاید بزرگترین دغدغه پایتخت نشینان بوده است. لزوم مکان یابی برای ساخت قبرستان جدید و البته اینکه جای آن کجا خواهد بود، همواره دوسوال اساسی شهروندان از مدیران شهری پایتخت بوده است. سوآلی که شورا های شهردارین دودوره تلاش زیادی کردند تا پاسخ روشن و شفاف ی به آن بدهند، اما هر بار با نام بردن از چند نقطه و اعتراض محلی ها، موضوع به فراموشی سپرده شد. با این همه اگر از شهروندان تهران نشین سوال پرسیده شود که با وجود این اخبار منفی، آیا در این سال ها با مشکل کمبود پاینود قبر برای عزیزانشان مواجه شده اند، قطعاً پاسخ شان منفی است. در سال ۹۸ به طور متوسط در روز ۱۵۰ تا ۱۷۰ نفر در تهران فوت کر ده اند، به طوری که در طول یکسال تعداد ۴۱ هزار و ۱۸۶ نفر در بهشت زهرا(س) دفن و ۱۶ هزار و ۲۲۲ نفر نیز به صورت رایگان در قطعه عمومی به خاک سپرده شده اند. سازمان بهشت زهرا(س) در شرایط عادی قابلیت پذیرش ۱۶۰ نفر در روز را دارد که با ساخت مجموعه عروجیان این ظرفیت تا ۲۴ نفر هم افزایش یافته است. قطعاً یکی از دستاوردهای مهم این دوره افزایش ظرفیت خدمات پذیرش کفن و دفن بوده است. در عین حال البته ساخت گورستان جدید نیز مورد توجه قرار گرفته و لایحه ای برای الزام شهرداری تهران به مکان یابی، تملک و ساخت گورستان های جدید شهر تهران تدوین شده است. این لایحه شهرداری تهران را موظف کرد تا اعتبار مورد نیاز این بخش را با قید فوریت فوریتی در بودجه سنواتی پیش بینی کند. در طرح مکان یابی آرامستان های آتی تهران، بر موضوع چند گورستانی، احیای گورستان های داخل شهر و فرهنگ سازی درباره کاربری گورستان ها تأکید شده است. اکنون بیش از ۸۰ گورستان تاریخی و مترو که در شهر تهران وجود دارد که می توان از ظرفیت آنها استفاده کرد. یکی از معروف ترین آرامستان های تاریخی تهران، آرامستان دولاب است که خود ۵۵ آرامستان را در بر می گیرد. گورستان های «آشوری ها»، «ارمنه گریگوری»، «فرانسه- لهستان»، «ارتودوکس روسیه- یونان» و «ارمنه کاتولیک»... در این دوره پروژه ساماندهی مجموعه آرامستان های تاریخی دولاب نیز آغاز شده است. تکمیل شبکه آب خام بهشت زهرا(س) از دیگر پروژه های ماندگار و زیربنایی این دوره محسوب می شود. کمبود زمین آرامستانی می توانست دفن اموات را به یک بحران جدی تبدیل کند. بنابراین تلاش ها برای ریزنی با منابع طبیعی تهران آغاز شد و نتیجه آنکه زمینی به مساحت ۵۰۰ هکتار در اختیار بهشت زهرا(س) قرار گرفت. علاوه

بر این در یکسال اخیر، حدود ۱۱ هکتار از اراضی جنوب سازمان بهشت زهرا(س) متصل به حرم امام خمینی با پیگیری های حقوقی و اجرایی آزاد شد. یکی از زیروژه های ویژه که در این دوره به نام «تالار بهشت» معروف شده، سالن اجتماعات بهشت زهرا(س) است که صاحبان عزابعد از خاکسپاری عزیزان خود، از میهمانان شان پذیرایی می کنند. خیلی ها قطعاً یادشان نرفته روزهایی را که به علت کمبود ظرفیت، امکان پذیرایی از سوگوارانشان را نداشتند و بناچار باید در جای دیگری از آنها پذیرایی می کردند. دوری مسافت و جمع کردن دوباره میهمان ها از در سراهای همیشگی صاحبان عزابود. سالن بهشت قبل از بازسازی ۵۰۰ متر مربع مساحت داشت که حالا به ۶۴۵ متر مربع افزایش یافته و ظرفیتی در حدود ۳۶۰ نفر دارد.

مصابخ خاکسپارها (قبرکن) را حتماً از خیلی ها شنیده اید. آدم هایی که هر چندر توان بدنی شان بالا باشد، اما در نهایت بعد از حفر ۳ تا ۳ قبر در مانده می شوند، اختراع دستگاه مکانیزه حفر قبر برایمان خاکسپار اتوماتیک حالا در مرحله ساخت نهایی قرار گرفته است. دستگاهی که البته دوره آزمایشی خود را پشت سر گذاشته و کم کم وارد سازمان خواهد شد. این دستگاه علاوه بر اینکه سرعت دفن جنازه ها را افزایش می دهد در زمان دفن اجساد نیز صرفه جویی می کند. درست شبیه ساخت دستگاه هوشمند اوان و تخت متوفی که برای نخستین بار در تاریخ بهشت زهرا(س) به کمک تطهیر کنندگان آمد.

هنوز هم برخی ها قاتی آمبولانس های مدل بالا حمل جنازه را در سطح شهر می بینند، به شوخی می گویند بالاخره یک روز سوار بنز خواهیم شد! اما بجز این آمبولانس های لاکچری، هنوز آمبولانس های فرسوده و قدیمی هم گذرشان به معابر تهران می افتد. سازمان بهشت زهرا(س) اخیراً به دنبال نوسازی آمبولانس های ناوگان حمل متوفی رفته است؛ در این طرح که از سال ۹۸ کلید خورده، ۵۰ دستگاه نئوپتا که مجهز به برانکاردهای کنونی و طبقاتی است و می تواند ۴ متوفی را همزمان حمل کند به ناوگان اضافه شده و در حال خدمت رسانی است. این جداز ساماندهی آمبولانس های داخلی است. اتفاقی که موجب می شود توقف شهروندان و میزان انتظارشان و به طور کل ترافیک حضور در بهشت زهرا(س) برای انجام امر کفن و دفن به ۴۵ دقیقه کاهش یابد. البته نکته جالب توجه تر، راه اندازی یرمینال های بهشت زهرا(س) در چهار راه ولیعصر است که سرعت خدمات رسانی به خانواده متوفیان را افزایش می دهد.

قطعاً نام سوله های بحران را شنیده اید. شاید برایتان باور پذیر نباشد، اما اگر اتفاق غیر مترقبه ای مثل زلزله یا سیل در حوالی بهشت زهرا(س) بیفتد، به کجا پناه خواهید برد؟ جالب اینکه دودستگاه سوله بحران در سازمان بهشت زهرا(س) آماده شده که تجهیزات کافی برای دفن ۱۵ هزار متوفی را در زمان بحران پیش بینی کرده است. کارایی این سوله های بحران اتفاقاً در زمان بحران کرونا تأیث شد و ظرفیت پذیرش و عکس العمل بهنگام این سازمان را افزایش داد.

مساحت ۵۸۲ هکتاری بهشت زهرا(س) و مراجه روزانه هزاران نفر به این سازمان موجب استقرار نخستین مرکز کنترل ترافیک شهر تهران در بهشت زهرا(س) شده است. سیستمی که با هدایت و کنترل ترافیک سهم جدی در تسهیل تردد شهروندان و روان سازی ترافیکی بویژه در روزهای تعطیل و آخر هفته ها دارد. علاوه بر این باید به راه اندازی سیستم تردد شمار در باب خروجی و ورودی سازمان بهشت زهرا(س) به عنوان یکی از دستاوردهای این دوره اشاره کرد. سیستمی که بزرگترین پروژه هوشمند سازی تاریخ بهشت زهرا(س) لقب گرفته است. شاید برایتان جالب باشد که بدانیان این سیستم دقیقاً چه کارهایی انجام می دهد؟ ۴۰ دوربین پیشرفته در ۱۲ ورودی و خروجی، امنیت، باویژه در روزهای پایانی و مناسبت ها تأمین می کند، بویژه در پنجشنبه های آخر سال که افراد زیادی برای زیارت اهل قبور به بهشت زهرا(س) می آیند. اگر چه خطوط بهشت زهرا(س) ۲۵۳ دستگاه دوربین به طور کامل نظارت می شود. ماجرای کی آرکدهای مشهور قبرستان های انگلیس و دانمارک زمانی قرار بود، سیستم مجهز گورستان خارجی را به تصویر بکشد، خیلی ها آن زمان فکر می کر دند که قبرستان های خارجی چه تافته های جدا بافته ای هستند و انگشت تعجب به دهان گرفته بودند، اما منی دانستند که بهشت زهرا(س) که حالا لقب بزرگترین و پیشرفته ترین آرامستان جهان تشیع را هم پدک می کشد، از دوسال قبل مجهز به بارکدی با عنوان «یادکد» شده است.



عکس ها: سجاد مشفوی / ایران

بعد از مدت ها او مدم اینجا. یک حال و هوای غریبی داره، از سخته های زندگی و روزگار فرار می کنم میام پیش شهدا، اینجا بخشی از آسمن خداست.» بخش های قدیمی تر سوت و کور و تاریکند. با آن حجله های آلمینیومی که روزگاری مادری با وسواس و سلیقه تمام برای فرزندش تزئین کرده و حالا شاید مادر دیگر نیست که سری به حجله و سنگ مزار پسرش است و غبار از سر و روی حجله بگیرد. مادری که روزی دلش با همین حجله و سنگ سفید و چهره محبوب فرزندش در قاب، قرار پیدا می کرد. اینجا زیارتگاهی است با هزاران قصه ناشنیده و شنیده، هزاران قصه گمنام و نامی، هزاران عاشق زنده.

شب گویی در دنیای مردگان پایان ندارد. قصه ها و روایت های زیادی میان آدم هایی که مرز میان جهان مردگان و زندگان را بی اعتبار کرده اند، جریان دارد. روایت هایی به تعداد تمام آدم هایی که در این شهر زیر نور ماه به هر بهانه قدم می زنند. شهری که ساکنانش را با سنگ های مستطیل کوچک و بزرگ می شود شناخت. شهری که بسیاری از کسانی که پیش از غروب آن را ترک کردند، معتقدند شب هایی وهم ناک و پر هراس دارد. با تمام اینها شهر مردگان شب میهمانانی دارد، زنده هایی که بعضی از زندگی خسته اند، مثل زهرا خانم با دندان های یک در میانی که از اعتیاد برایش مانده. زهرا خانمی که شب ها را همین جا کنار همین مردگان به صبح می رساند، چون معتقد است: «مرده ترس نداره، باید از زنده ها ترسید»

شهر مردگان هر شب میهمانانی دارد، زنده هایی که بعضی از زندگی خسته اند، مثل زهرا خانم با دندان های یک در میانی که از اعتیاد برایش مانده. زهرا خانمی که شب ها را همین جا کنار همین مردگان به صبح می رساند، چون معتقد است: «مرده ترس نداره، باید از زنده ها ترسید»

شب گویی در دنیای مردگان پایان ندارد. قصه ها و روایت های زیادی میان آدم هایی که مرز میان جهان مردگان و زندگان را بی اعتبار کرده اند، جریان دارد. روایت هایی به تعداد تمام آدم هایی که در این شهر زیر نور ماه به هر بهانه قدم می زنند. شهری که ساکنانش را با سنگ های مستطیل کوچک و بزرگ می شود شناخت. شهری که بسیاری از کسانی که پیش از غروب آن را ترک کردند، معتقدند شب هایی وهم ناک و پر هراس دارد. با تمام اینها شهر مردگان شب میهمانانی دارد، زنده هایی که بعضی از زندگی خسته اند، مثل زهرا خانم با دندان های یک در میانی که از اعتیاد برایش مانده. زهرا خانمی که شب ها را همین جا کنار همین مردگان به صبح می رساند، چون معتقد است: «مرده ترس نداره، باید از زنده ها ترسید»

هنرمندان و غسالخانه از نظر مهدی شب ها ترسناک ترین بخش های بهشت زهرا(س) هستند. می گوید قبل از اینکه برای خدمت سربازی به اینجا بیاید، هیچ تصویری از این فضا نداشت: «ما خونه مون کرچه، من فقط چند بار سر مزار ایرج قادری تو بهشت سکنیه رفتم» تصویری که از آرامستان داشت، شبیه بهشت سکنیه بود، اما حالا ۲۰ ماه خاطره از بزرگ ترین آرامستان کشور دارد و خوب قصه بخش های مختلف آن را بلد است. اینجا نگهبان، لحظه ها را به هم وصله می کند تا شب گذدار تمام شود. دنیایش پر از شور زندگی است وقتی در سکوت قدم می زند و در دنیای مردگان نگهبانی می دهد.

تردد و تکاپو در قطعه شهدا بیش از هر بخش دیگر بهشت زهرا(س) است. تعداد چراغ ها هم. گویی مرگ و سکوت اینجا معنا ندارد: «شهدان زنده هستن، به همین خاطر اینجا بوی مرگ نمیده» این را زهره می گوید که کنار مزار یک شهید گمنام نشسته و زیر نور فانوس دعای کمیل می خواند: «هر وقت دلم بگیره میام اینجا، روز یا شب فرقی نداره، هر وقت بیام حال دلم خوش میشه» در قطعه شهدا برنامه ها انفرادی نیست، هر چند بعضی آدم ها خلوت خود را دارند و در حال و هوای خودشان لحظاتی را می گذرانند، اما در محدوده های مشخصی برنامه های عمومی برگزار می شود. دعای کمیل، مراسم شب قدر و تحویل سال و حتی شب یلدا در همین محدوده ها که اغلب مفروش شده اند برگزار می شود: «ما معمولاً شب قدر اینجا هستیم، تحویل سال هم چند بار اومدیم» مزار شهدای مدافع حرم پر تردد است، با

یا سکوت بغض آلود مردی. آدم ها کنار این خاک های خیس غرق در گل و این حفره های مستطیلی بیشتر به مرگ فکر می کنند، شاید هم به ماهیتش لعنت بفرستند که آرزوی جاودانگی را به دل انسان گذاشته. اینجا دور از هیاهوی روز، زیر نور ماه و سکوت غلیظی که شب را پر کرده بیشتر از هر جایی می شود حقیقت تنهایی و مرگ را دید.

حفاظت از مردگان «شب های اول اینجا تنها بودم، از چهارراه عروجیان تا قطعه فرشتگان فقط یه برج نور بود، بقیه شب ظلمات بود. روبه روی دهه نگهبانی به چراغ بود که انقدر گرد و غبار گرفته بود، کم نور شده بود. من از ترسم از زیر چراغ تکیون نمی خوردم. صداهای وحشتناک می اومد، عادی ترین صدا برای من که تا به حال شب توقیرستون تنها نبودم ترسناک بود» مهدی یکی از صدها سربازی است که دوران خدمتشان را در بهشت زهرا(س) می گذرانند. ۲۰ ماه از خدمتش می گذرد اما می گوید: «انقدر اضافه خدمت دارم که حالا حالا اینجا هستم.» مثل تمام مردهایی که به خدمت سربازی می روند، بی نهایت خاطره شنیدنی از این ۲۰ ماه دارد. اما از شب ها که می گوید، ترس کلید واژه اصلی خاطره ها می شود: «اما از مرده ها نمی ترسیم، از زنده ها می ترسیم.» درباره هر قسمت از بهشت زهرا(س) قصه و خاطره دارد. از اسامی که برای بخش های مختلف گذاشته اند می گوید: «به جای عجیب همین نزدیکی هست ما بهش می گیم «آخرت» یه جویره اگر تو سکوت شب بری اونجا احساس می کنی برزخه، آدمآ رو می بینی دارن میرن پیش خدا که سؤال جواب بشن، برن اون دنیا» دیوار هشتاد، قطعه

اینجا مرزها کنار زده شده اند. آدم ها قصه های خودشان را دارند. آمده اند که مرگ را به سخره بگیرند.

■ **آدمم که تنها نباشد** برانکار د حمل اموات گوشه ای رها شده، خاک های نرم و تابلوهای سیاهی که در زمین فرو رفته می گوید اینجا قطعه تازه خاک نشسته اند. پدرشان را صبح امروز به که خیابان مجاور را روشن کرده نور کم رنگی به فضا داده است. دو پسر جوان که غم توی چشمانشان موج می زند و صدایشان هنوز از بغض می لرزد روی صندلی، کنار تلی از خاک نشسته اند. پدرشان را صبح امروز به خاک سپرده اند: «به خاطر کرونا آدم های کمی اومدن بدرقه، پدرم غریبانه رفت، حالا ما اومدیم که امشب تنها نباشه» حوصله ندارند که کسی خلوتشان را به هم بزند. پسر جوان تر چشم از گل های تازه خاک آلود بر نمی دارد، دیگری تذکر می دهد: «سمت مزارهای اون طرف نرید، امروز چند تا کرونا یی به خاک سپردن، خطرناکه» و سرش را پایین می اندازد و سکوت می کند.

در چند قدمی دو جوان، صدها حفره مستطیلی عمیق حفر شده و در سکوت تن به تار یکی شب داده اند. تا چند روز دیگر قرار است اینها هم با جسمی بی جان و خاکی نرم پر شوند. گوشه ای روی مرز دو حفره چند کیسه سفید آهک برای مزار کسانی که بر اثر کرونا از دنیا رفته اند، تلنبار شده. گل های تازه زیر پای عابران غرق خاک شده اند، سنگی نیست، تصویری نیست، صدایی نیست. از تازه واردها فقط یک نام بر تابلوی سیاه درج شده. تا همین چند ساعت پیش گوش اینجا شاید پر بود از صدای ضجه زنی،

می توانستند نقش آفرینی های بیشتری برای جامعه و کشور خود داشته باشند، اما دریغ که اجل امانشان نداد.

آیدین نیکخواه بهرامی به جرأت از جمله این افراد بود. نیکخواه بهرامی یکی از اعضای تیم ملی بسکتبال ایران و باشگاه بسکتبال صیابانری بود و نقش بزرگی در تیم ملی بسکتبال ایران در رقابت های قهرمانی آسیا و به دست آوردن سهمیه المپیک پکن ۲۰۰۸ داشت اما متأسفانه در دی ماه سال ۱۳۸۶ در سن ۲۶ سالگی در اثر سانحه تصادف رانندگی درگذشت و پیکرش در قطعه نام آوران به خاک سپرده شد. علیرضا راهب، شاعر و ترانه سرای فقید کشورمان نیز اخیراً در پی ابتلا به کرونا از دنیا رفت و پیکرش در قطعه نام آوران بهشت زهرا(س) آرام گرفت. مرحوم راهب (با نام شناسنامه ای علیرضا قادری) شاعر، نویسنده، بازیگر، دکلماتور و ترانه سرا و دانش آموخته رشته حقوق از دانشگاه تبریز بود. در قطعه نام آوران بهشت زهرا(س)، علاوه بر افراد یادشده، استادان دانشگاه هم که عمری برای اعتلای علم و دانش زحمت کشیده اند، آرمیده اند.

هوشنگ عباس زاده چهره ماندگار روابط عمومی ایران



عکس ها: سجاد مشفوی / ایران

و عضو هیأت علمی بازنشسته دانشگاه علامه طباطبایی، که سال ۱۳۷۱ عضو هیأت علمی داوران انتخاب روابط عمومی های برتر کشور بود و با همکاری علی میرسعید قاضی، کتاب زبان انگلیسی تخصصی روابط عمومی و ارتباطات را تألیف کرد، از جمله میهمانان ادبی اینجا است. از استادان دیگری که در این قطعه نامشان جاودانه است، مرحوم دکتر محمد تقی خانی، استاد دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تربیت مدرس است. از مسئولیت های این استاد بزرگ، معاونت وزیر بهداشت و رئیس سازمان انتقال خون، معاونت دانشگاه تربیت مدرس، تهران و شاهد، ریاست دانشکده پزشکی دانشگاه تربیت مدرس، استادی دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تربیت مدرس و ریاست انستیتو پاستور ایران بوده است. از دیگر چهره های تأثیرگذار در قطعه نام آوران، مرحوم دکتر سیدمسعود کیمیگر، استاد پیشکسوت تغذیه است.

استاد کیمیگر یکی از استادان فرهیخته دانشگاه در عرصه های آموزشی، پژوهشی و درمان بیماران در حوزه علم تغذیه بود و همه ما در طول زندگی با نام او و روش های